روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه • ۱۴ مهر ۱۳۹۹ • ۱۷ صفر ۱۴۴۲ • ۵ اکتبر ۲۰۲۰
سال هجدهم • شماره ۳۸۳۴ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۳ • اذان مغرب ۱۸:۰۰
اذان صبح فردا ۴:۴۰ • طلوع آفتاب ۶:۰۳

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

پس از لغو ممنوعیت بهداشتی به‌دلیل شیوع ویروس کرونا تعداد محدودی از زائران حج عمره به جای آوردند، عکس: AFP

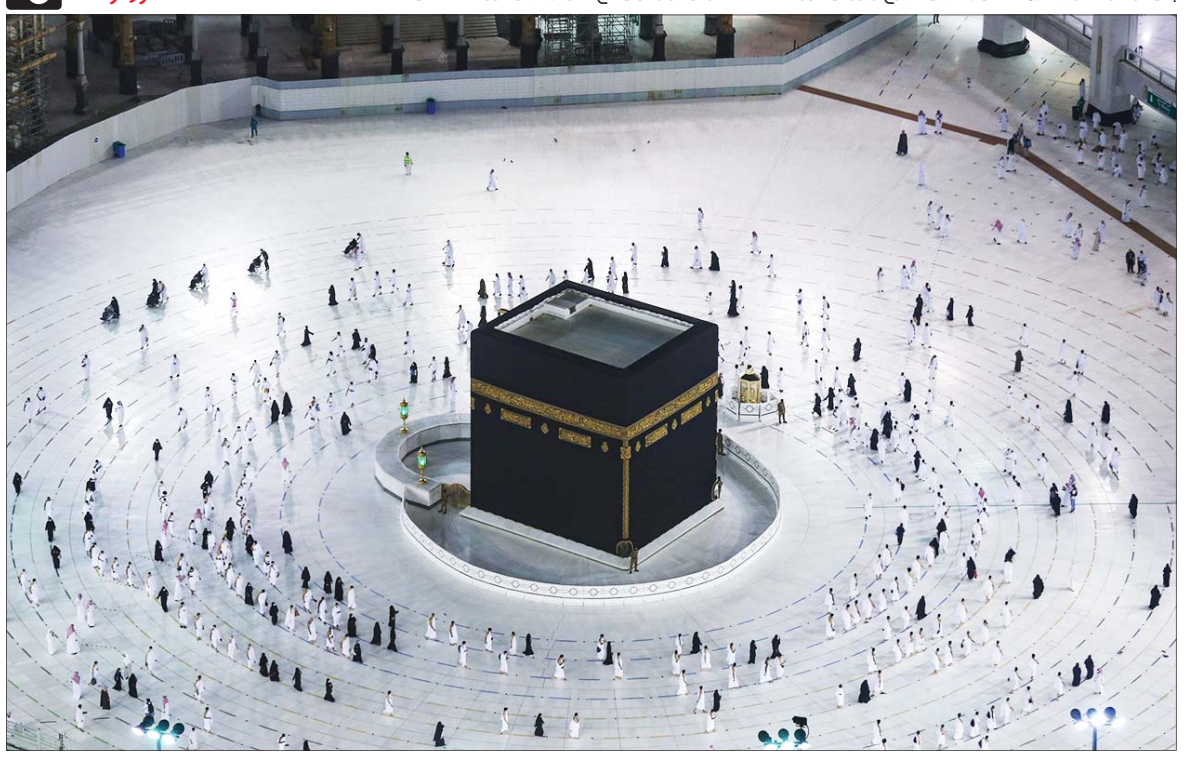

یادبود

درگذشت سیروس برزو، پیش‌کسوت ترویج علم و روزنامه‌نگاری علمی

آن‌سوی مرزهای بیکران فضا

سلیمان فرهادیان

استاد «سیروس برزو»، از پیش‌کسوتان روزنامه‌نگاری علمی، روز گذشته (یکشنبه، ۱۳ مهر) در کرمان درگذشت. او که از نامدارترین روزنامه‌نگاران علم ایران بود، از مدت‌ها پیش برای برگزاری دوره‌های آموزشی و ترویج علم، در کرمان به سر می‌برد که به بیماری کرونا مبتلا شد. «سیروس برزو» کارش را به‌عنوان معلم در آموزش‌وپرورش آغاز کرد اما عشق به آموزش او را وارد محیط روزنامه‌نگاری علمی کرد. او اولین مقاله‌های خود را در ماهنامه دانشمند منتشر می‌کرد، ولی در دهه ۱۳۶۰ سردبیر ماهنامه «کیهان علمی» شد و در سال ۱۳۶۹ ماهنامه «مرزهای بیکران فضا» را منتشر کرد که به باور بسیاری از مخاطبان و روزنامه‌نگاران علم ایران، از بهترین نشریات علمی بود، هرچند این نشریه، خیلی زود و در سال ۱۳۷۲ به پایان رسید. البته او بعدها کار روزنامه‌نگاری علمی را به‌عنوان نویسنده آزاد با پشتکار و اشتیاق بیشتر ادامه داد و مقاله‌های بسیاری را در مجلاتی مانند دانشمند، دانستنی‌ها، اطلاعات علمی، نجوم، نوآور، آسمان‌شب، هوافضا، فضانورد، فناوری فضایی و... منتشر کرد. او که نویسنده‌ای باتجربه بود، چندین کتاب نیز تألیف کرده است که از آن میان می‌توان به کتاب‌های «نخستین‌های فضانوردی»، «حوادث فضایی»، «داستان سفر به فضا»، «سه، دو، یک، ...پرتاب»، «در آرزوی پرواز» و... را نام برد، اما شاید یکی از مهم‌ترین جنبه‌های «سیروس برزو»، تلاش همیشگی او برای ترویج علم و آشنایی عموم مردم با اهمیت آن در زندگی بود. به همین دلیل او فعالیتش را به نگارش مقاله یا کتاب محدود نکرده بود و از روش‌های دیگر ترویج علم مانند برگزاری نشست‌ها و همایش‌های علمی، سخنرانی، برپایی نمایشگاه‌های علمی، حضور در برنامه‌های علمی رادیو و تلویزیون و... برای آشناکردن عموم مردم با علم و به‌ویژه دانش فضا و تاریخ فضانوردی استفاده می‌کرد. با توجه به همین تلاش‌های همیشگی بود که انجمن ترویج علم ایران در سال ۱۳۹۲ و در چهاردهمین دوره این جایزه، «به دلیل کوشش چشمگیر و دیرپا در زمینه روزنامه‌نگاری علمی به‌ویژه در حوزه فضا، تلاش‌های مجدانه در زمینه معرفی دانش فضا در داخل و خارج از کشور و همچنین برخورداری از حمایت حرفه‌ای جمعی از روزنامه‌نگاران علمی کشور که ایشان را سزاوار دریافت این جایزه دانستند»، جایزه ترویج علم را به وی اهدا کرد. او در این جلسه ضمن ابراز خرسندی از دریافت این جایزه، نسبت به «بی‌توجهی مسئولان به امر ترویج دانش فضایی و وضعیت نابسامان مروجان فضانوردی در ایران» گلایه و توصیه کرد مسئولان اهمیت موضوع ترویج علم در جامعه را درک و از روزنامه‌نگاری علمی حمایت کنند و روزنامه‌نگاران علم را در این مسیر دشوار تنها نگذارند. او در این مراسم، به مشکلات روزنامه‌نگاری علمی اشاره و تاکید کرد همراهی و همدلی همسر و فرزندانش در این مسیر، دشواری‌های کار روزنامه‌نگاری علمی را برای او هموار کرده است. او گفت: «من عاشق ترویج علم هستم و بیش از ۳۰ سال است که خود را وقف آن کرده‌ام. عشق بنده به فناوری فضایی چیزی شبیه عشق مجنون به لیلی است. حتی اگر لیلی جامش را می‌شکست و شکرخندی نثارش می‌کرد، در چشم مجنون، غمزه‌ای دلبرانه بود و شیرین‌تر از عسل. این اطرافیان مجنون بودند که عشق دیوانه‌وارش به لیلی برایشان دردسرآفرین بود و از نیش طعنه دیگران آسیب می‌دیدند. جایزه بیشتر سزاوار اطرافیان مجنون بود تا خودش. برای عاشقی، نمی‌توان جایزه‌ای تعیین کرد؛ چراکه خود عشق‌ورزی، جایزه عاشق است. به نظر من این جایزه را باید به همسری داد که سال‌ها از سودای عشق شوهر، ناملایمات را چشیده و سختی‌ها را تحمل کرده است. این جایزه را باید به فرزندانی داد که انگشتان پدر به‌جای لمس محبت‌آمیز و نوازش آنها، صفحه‌کلید و موشواره رایانه را لمس کرده است». او که همیشه مشتاق آموزش جوانان بود، بارها در شهرهای مختلف ایران (مانند اصفهان و دامغان و...)، نمایشگاه فضایی یا دوره‌های آموزشی برگزار می‌کرد که همیشه با استقبال مخاطبان روبه‌رو می‌شد. او یک سال گذشته را نیز با هدف برگزاری دوره‌های آموزشی در کرمان به سر می‌برد که به بیماری کرونا مبتلا شد و با وجود تلاش بسیار پزشکان، از جمع مروجان علم ایران رخت بربست. روزنامه «شرق»، درگذشت این استاد روزنامه‌نگاری را به خانواده او و همچنین روزنامه‌نگاران علم ایران تسلیت می‌گوید.

خبر

میهمانی «باغ رز» بمب کرونای کاخ سفید

ابتلای دونالد ترامپ و همسرش به کرونا باعث واکنش‌های بسیاری شد. عده‌ای برای او آرزوی مرگ کردند و همین باعث شد بلافاصله توییتر واکنش نشان دهد و اعلام کند که حساب کاربری آنها بسته خواهد شد. اما غیر از این نگرانی برای مخفی‌کردن ابتلای ترامپ هم مطرح شده است؛ البته حالا لیستی از مبتلایان به کرونا در کاخ سفید تشکیل شده است. موضوعی که می‌تواند انتخابات نوامبر ۲۰۲۰ را به‌شدت تحت تأثیر قرار دهد. روز جمعه دوم اکتبر، تست کرونای دونالد ترامپ و همسرش مثبت اعلام شده بود. ترامپ برای مداوا در این بین، به بیمارستان نظامی والتر رید، واقع در شمال واشنگتن منتقل شده است. اما اکنون رسانه‌ها به‌دنبال سرنخ ابتلای ترامپ و ملانیا به ویروس کرونا هستند. خبرنگار روزنامه واشنگتن‌پست با توجه به موارد ثبت‌شده درباره ابتلا به ویروس کرونا در دایره مناسبات دونالد ترامپ، احتمال شیوع کرونا در کاخ سفید در رابطه با ضیافت معرفی امی کانی بارت برای عضویت در دیوان عالی آمریکا را منتفی ندانسته است. روز شنبه گذشته ۲۶ سپتامبر در «باغ رز» کاخ سفید میهمانی بزرگی برای پیشنهاد عضویت بارت برگزار شد. گفته می‌شود که مدعوین در این مراسم نه ماسک بر چهره داشتند و نه فاصله‌ها را رعایت کرده بودند. چند نفر از شرکت‌کنندگان در این مراسم پس از آن به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند؛ از آن جمله شخص رئیس‌جمهوری آمریکا و همسرش. اینکه ترامپ، در تماس با میهمانان در این ضیافت مبتلا به کرونا شده است یا پس از آن از طریق تماس با مشاور خود، هوپ هیکس، روشن نیست. اما اکنون روشن شده است که عده‌ای از کسانی که در آن ضیافت بوده‌اند، از جمله رئیس دانشگاه نوتردام و همچنین دو سناتور آمریکایی به این ویروس مبتلا شده‌اند. جان جنکینز، رئیس دانشگاه نوتردام، یکی از کسانی بوده است که در ضیافت معرفی بارت در باغ رز کاخ سفید حضور داشته و به ویروس کرونا مبتلا شده است. سایت «اشپیگل‌آنلاین» به نقل از واشنگتن‌پست درباره نحوه ابتلای جنکینز به ویروس کرونا می‌نویسد که از او پس از ورود به کاخ سفید، یک تست سریع کرونا گرفته می‌شود. پس از آن، او و سایر میهمانان با ماسک در محوطه‌ای در کاخ سفید گرد هم می‌آیند. مدتی بعد نتیجه منفی تست کرونا او و سایر میهمانان اعلام می‌شود. پس از اعلام نتیجه منفی، میهمانان ماسک‌های خود را برمی‌دارند، با یکدیگر دست می‌دهند و رعایت فاصله‌ها فراموش می‌شود. گفته می‌شود که نتایج حاصله از آزمایش‌های سریع، دقیق نبوده و احتمال تشخیص ناصحیح منتفی نیست. جان جنکینز، پس از ابتلا به کرونا، نسبت به عدم رعایت پروتکل‌های بهداشتی از خود انتقاد کرده است. علت دعوت او به مراسم ضیافت معرفی امی بارت این بوده است که بارت از جمله در دانشگاه نوتردام تحصیل و تدریس داشته است. افزون بر جنکینز، کلیان کان‌وی، مشاور ترامپ و یک نفر دیگر از کسانی که در مراسم معرفی بارت حضور داشتند نیز به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند. کان‌وی در شمار مشاوران باسابقه ترامپ است و رهبری تیم انتخاباتی ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری را نیز برعهده داشت. او در ماه اوت، از سمت خود در تیم انتخاباتی ترامپ کناره‌گیری کرد. اما در مراسم معرفی امی بارت شرکت کرده بود. دو سناتور آمریکایی، مایک لی از ایالت یوتا و تام تیلیس از ایالت کالیفرنیای شمالی نیز در بین مبتلایان به ویروس کرونا بوده‌اند.

آکادمی

واکسن «سرد» واکسن «گرم» در شبکه بهداشت کشور

بابک زمانی
نورولوژیست

هفته گذشته رؤسای انجمن‌های پزشکی کشور در دو نامه به رئیس نظام پزشکی و وزیر بهداشت، درباره خطرات یکه‌تازی شاغلان طب به‌اصطلاح سنتی (که اساسا جامعه پزشکی قائل به وجود چنین طبی نیست)، وظایف آنها را در مقابله با این موضوع یادآور شده و خواستار عمل به وظیفه قانونی و اخلاقی‌شان شدند. در مقابل وزارت بهداشت، رؤسای امضاکننده را به همایشی برای استماع دو ساعت سخنرانی درباره طب سنتی فراخواند تا شاید با همین دو ساعت قضیه فیصله یابد و خیل عظیم امضاکنندگان که بدنه اصلی جامعه پزشکی محسوب می‌شوند، مجاب شده و به راه بیایند (به‌جای دعوت از مسئولان انجمن و دانشکده و معاونت طب سنتی به استماع مسائل بدیهی دانش طب و دو ساعت سخنرانی درباره طب برمبنای شاهد)! درنهایت باوجود بیانات کوتاه، منطقی و فاخر نماینده رسمی و قانونی جامعه پزشکی (دبیر محترم مجمع انجمن‌های تخصصی) که لُب مطالب را مطرح کرد، نماینده وزارت بهداشت نتایجی نامتعارف گرفت که هدف این یادداشت واکاوی آنهاست. معاون وزارت بهداشت که شخصا انسانی دانشمند و بسیار صادق و پرتلاش است، در ابتدای صحبت‌های خود به‌عنوان مصداق کارکرد طب سنتی در کشور ما، ابن‌سینا را مثال می‌آورد و به نمونه دیگری اشاره نمی‌کند. این مثال آشکارا مع‌الفارق است؛ چراکه ابن‌سینا را به‌هیچ‌رو نمی‌توان سنتی به شمار آورد! او پیشرو زمانه خود بود و اساسا اهمیتش در مواردی است که در تقابل با سنت پیشینیان راهی به سوی روشنایی گشود. همه می‌دانند در آموزش طب، اصل بر منش استاد است و نه مطلق اطلاعات که اتفاقا امروز به کلیکی پیش چشم ظاهر می‌شوند، حتی در موبایل! بنابراین کسانی به ابن‌سینا اقتدا می‌کنند که دانش زمان خود را فراگرفته و در پیشبرد آن تلاش کنند. تمامی پزشکان ایرانی‌ای که شبانه‌روز در حال تلاش برای غلبه بر مشکلات داخلی هستند و پزشکان ایرانی خارج از کشور که در محیطی مناسب کار کرده و هر روز دانش طب را مرهون دستاوردهای نوین خود می‌کنند، به همراه بسیاری دیگر از پزشکان جهان که روشن‌بینی و دانشوری پیشینیان ما را پسندیده‌اند، همه شاگردان راستین ابن‌سینا محسوب می‌شوند. افتخار ایرانیان به ابن‌سینا نظراتی است که حوزویان انشایی می‌خوانند و نه صرفا ارشادی! او ضمن ارشاد به سنت‌های متقدمان، مطالب بسیاری، عمدتا تجربی، انشا کرد! معاون محترم هیچ نمونه دیگری از طب سنتی یا ایرانی ارائه نداده و ادامه می‌دهد که در ایران طب سنتی به‌صورت مکمل طب عمل می‌کند! مشخص نمی‌کند که آیا تا به حال این‌طور بوده یا قرار است از این بعد این‌طور بشود؟ بنده به‌عنوانی کسی که ۴۰ سال از خانه‌های بهداشت تا مدیریت بخش‌های آموزشی و انجمن‌های علمی تجربه خدمت دارم، ذره‌ای از این تکمیل و مکمل خاطره ندارم، اما مرکز خاطرات مغز من آکنده است از خاطرات تلخ افرادی که با پرداخت پول به صداوسیما، عوام‌فریبی می‌کنند و بیماران بسیار زیادی که فریب عوام‌فریبی‌ها را خورده‌اند و هر روز شاهدم چه عواقبی را تحمل می‌کنند و اگر مقصود ایشان این است که از این پس این‌طور خواهد بود، پس به‌جای هر توضیحی باید شیوه نظارت و نحوه برخورد با روند موجود را توضیح دهند تا چون منی آرامش‌خاطر پیدا کند و با هم همنوا بشویم. معاون محترم می‌فرماید تنها دستورالعمل‌هایی که اثبات علمی داشته باشند در شبکه درمان رسمی کشور جایگاهی خواهند داشت. می‌شود تقاضا کرد آن یکی، دو مورد علمی کاربرد اثبات‌شده این درمان‌ها را که باعث شده این همه وقت و امکانات ملی صرف آنها شود، اعلام کنند تا از همین امروز از مزایای آنها استفاده کنیم و بیماران سودش را ببرند تا بقیه بماند برای بعد! آقای معاون محترم درحالی‌که معلوم است جامعه پزشکی را خطاب می‌دهند، می‌فرمایند سبک زندگی هم مهم است و باید شیوه‌های سنتی زندگی را -که ظاهرا مدافع آنها طب سنتی است- در نظر داشت؛ گویی سبک زندگی ما ربطی به یافته‌های پزشکی مدرن ندارد؛ مثلا آبگوشت و کله‌پاچه با قدمت چندهزارساله برای همه با همان تعابیری که هزاران سال قبل از معرفی چربی‌های خون استفاده می‌شد، همچنان غذاهای سنتی مفیدی هستند یا توالت‌های سنتی ما با تنگی کانال نخاع کمر مشکلی ندارند. معاون محترم می‌افزایند زمینه‌های ادغام طب سنتی برمبنای علمی در شبکه‌های بهداشت فراهم شده است، بدون اینکه حتی به یک تحقیق چاپ‌شده بین‌المللی یا یک روش درمانی مشخص کوچک‌ترین اشاره‌ای بکنند و بدون اینکه کوچک‌ترین تصوری از آنچه در شبکه‌های بهداشتی می‌گذرد، داشته باشند و بدون آنکه به تصویری بپردازند از اینکه بهورزان و کارکنان این شبکه‌ها با مسائلی مثل سردی و گرمی و اخلاط بلغمی و صفراوی که یحتمل از مادربزرگ‌هایشان هم شنیده بودند، چه باید بکنند؟ بی‌تردید این مسئله ادغام هم مثل بسیاری مسائل دیگر به بوته فراموشی سپرده خواهد شد، اما معلوم نیست جواب وقت کارشناسان و کارمندانی را که این برنامه‌ها را آماده می‌کنند و افرادی مانند حقیر که مجبور می‌شوند وقت خود را به پاسخ اختصاص بدهند، چه کسی خواهد داد؟ چه کسی جز مردم محروم و رنج‌دیده ما خسارت ملی مهاجرت صدها پزشک جوان را که با شنیدن این صحبت‌ها ناامیدتر از پیش راهی دفاتر مهاجرت می‌شوند، پرداخت خواهد کرد؟ آقای معاون از تأسیس مؤسسات آموزشی و تحقیقاتی متعدد در زمینه طب سنتی اطلاع داده‌اند؛ آشکار است که بدون تنویر ابهامات و پاسخ به سؤالات پیش‌گفته، گسترش امکانات برای طب سنتی چیزی جز نقض غرض نیست. آقای معاون از ارتباط با سازمان بهداشت جهانی و اهتمام آن سازمان به طب سنتی به‌خصوص در جهان سوم خبر داده‌اند. نفس ارتباط با سازمان بهداشت جهانی خبر خوشحال‌کننده‌ای است. وزارت بهداشت کشور ما می‌تواند با نگرش این سازمان به طب سنتی در کشورهای جهان سوم (جایی که به دلایل اقتصادی درمان‌های مدرن هنوز راهی پیدا نکرده‌اند و سازمان تلاش می‌کند با درمان‌های خطرناک مقابله و درمان‌هایی که آشکار است خطری ندارند، ساماندهی کند) آشنا شود، ولی مهم‌تر از آن شاید وزارت بهداشت کشور ما بتواند از طریق سازمان بهداشت جهانی به استانداردهای آموزش پزشکی در دنیا، نحوه چرخش اطلاعات در دنیا و شیوه‌های مدیریت اقتصاد درمان در کشورها هم دسترسی یافته و آنها را باور کند. در خاتمه صادقانه امیدوارم معاون محترم با آن همه کاری که به‌دلیل بحران کرونا سرشان ریخته، وقت زیادی را صرف خواندن این یادداشت بی‌مقدار نکنند و خسارت این وقت جزئی را هم پای طب سنتی و هوادارانش بنویسند نه این نسخه‌نویس کمترین!

روز جهانی معلم

کرونا فرصتی برای پیرایش چهره آموزش

نرگس ملک‌زاده . کارشناس آموزش

● بر هیچ‌کس پوشیده نیست که معلم به‌عنوان نیروی انسانی در حیطه آموزش‌وپرورش نقشی پررنگ و کلیدی دارد؛ اما امسال و به دلیل وضعیت متأثر از بحران کووید۱۹، فرصت منحصربه‌فردی برای رهبری، خلاقیت و نوآوری معلمان ایجاد شده است. برای موفقیت در این بحران جهانی، معلمان باید علاوه بر تسلط بر بحث و محتوای آموزشی، مهارت رهبری را نیز در خود تقویت کرده تا بتوانند بهترین بازخورد را از این نوع آموزش و این شرایط سخت دریافت کنند. در یکی از تقسیم‌بندی‌های نیروی انسانی در سازمان‌ها، نیروهایی را که بیشتر از مسئولیت‌شان کار می‌کنند و بسیار توانمند و عالی هستند، «گلدنمن» می‌گویند. این تعریف فقط برای یک درصد نیروهای هر سازمان صادق است. در ردیف دوم این تقسیم‌بندی، «سیلورمن‌ها» قرار دارند؛ آنهایی که بیشتر از انتظار کار می‌کنند، ولی نه به اندازه گروه اول و فقط شش درصد یک سازمان را تشکیل می‌دهند. در سومین نوع تقسیم نیروی انسانی در هر سازمان، «برنزمن‌ها» قرار خواهند گرفت؛ برنزمن‌ها ۴۶ درصد وظایف خود را خوب و بهنگام انجام می‌دهند، ولی نه بیشتر و صدالبته نه کمتر؛ اما در هر سازمان نیروهایی هستند معروف به نیروهای چوبی که اگر قصد ترک سازمان را هم داشته باشند، هیچ آسیبی متوجه سازمان نخواهد شد. «وودرمن‌ها» بالاترین درصد را از نظر تعداد در هر سازمانی تشکیل می‌دهند.

دلیل مطرح‌کردن این تقسیم‌بندی این است که متوجه شویم در این شرایط کدام معلمان و در کدام طبقه می‌توانند بهترین کارایی و اثربخشی را از تدریس و آموزش در فضای بی‌سروسامان آموزش مجازی در کشور به دست آورند. در شرایط معمول و روتین آموزش، شاید معلم «برنزمن» می‌توانست نتایج رضایت‌بخش را از شیوه آموزش خود به دست آورد؛ اما در این شرایط که می‌توان آن را «بحران آموزش» نامید، باید معلمان تلاش کنند مدیریت و رهبری آموزش را به شیوه‌ای نوین در دست گیرند و خود، راه نجات خودشان را از این بلاتکلیفی‌های دست‌وپاگیر سازمانی بیابند. معلم در این شیوه آموزشی (آنلاین) باید نقش خود را از ارائه‌دهنده محتوای آموزشی به یک ناظر آموزشی و راهنمای فرایند یادگیری تغییر دهد و فراگیران خود را برای تهیه منابع الکترونیکی و تفکر و همچنین تجزیه‌وتحلیل اطلاعات کسب‌شده یاری دهند. این دوران بهترین زمان برای خروج از شیوه سنتی معلم‌محوری در آموزش است و ایجاد فضایی که هر دانش‌آموز بتواند با توجه به علایق و فرصت‌های خود، علاوه بر محتوای مصوب، آنچه را که برایش خوشایند است، کسب کند. زمان اندک است؛ اما می‌توان با یک فرصت‌گذاری بجا سال‌ها از آن بهره برد و حتی بعد از خروج از این بحران آموزشی، مسلط‌تر و آگاهانه‌تر به کلاس درس بازگشت. می‌توان مانند یک دانش‌آموز بر سر کلاس درس نشست و آنچه را به او کمک می‌کند که با دستان پر، آموزش مجازی را پیش برد، آموخت. در این شرایط سخت باید تمرین کرد و آموخت تا شکل سنتی آموزش را دگرگون کرد. این‌گونه از تهدید، فرصت‌ساختن شاید مصداقی درست بر شعار روز جهانی معلم (رهبری در بحران، بازآفرینی سیمای آینده) در سال پیش‌رو باشد. آگاهانه قدم‌برداشتن در این مسیر، چهره آموزش را زیباتر و دل‌انگیزتر از قبل خواهد کرد. پیرایش چهره درهم‌ریخته آموزش سنتی در دستان معلمانی است که به‌عنوان رهبر، جادوی عبور از ناممکن را خوب آموخته‌اند. در این شرایط باید هر روز بر تعداد معلمان با ویژگی «گلدنمن و سیلورمن» افزوده شود. کرونا فرصتی شد تا در پساکرونا، کارایی و اثربخشی را هم‌زمان پیش برد.

اتفاق

زبان فارسی خارجی نیست

اواسط هفته گذشته می‌توانستید در حساب‌های شبکه‌های اجتماعی کاربران افغانستانی اعتراض گسترده آنها به «خارجی»دانستن زبان فارسی را مشاهده کنید. ماجرا از این قرار است که اداره ملی آمار و اطلاعات افغانستان در صدور شناسنامه شهروندان افغانستانی زبان فارسی را ذیل عنوان زبان‌های خارجی قلمداد کرده بود. این مسئله موجب شد موجی از اعتراضات در افغانستان شکل بگیرد و چهره‌های زیادی به این کار اعتراض کنند. اعتراضات البته به نتیجه هم رسید و آخر هفته گذشته بود که اداره ملی آمار و اطلاعات افغانستان اعلام کرد زبان فارسی را از گزینه زبان‌های خارجی در شناسنامه‌های الکترونیکی مردم این کشور حذف کرده است. احمدجاوید رسولی، رئیس اداره ملی آمار و اطلاعات افغانستان، روز پنجشنبه، دهم مهرماه در یک نشست خبری در کابل گفت زبان‌های رسمی این کشور براساس کُدهای اداره بین‌المللی استاندارد و اطلاعات وزارت مخابرات و تکنولوژی اطلاعات در سیستم شناسنامه الکترونیک گنجانیده شده بود. او تصریح کرد که نه‌تنها یک زبان، بلکه تمامی زبان‌های رسمی و ملی افغانستان در فهرست زبان‌های خارجی گنجانیده شده است. به گفته او زبان پشتو، ترکمنی، بلوچی و سایر زبان‌ها در این گزینه گنجانده شده بودند. او اما گفت شماری از شهروندان برای اینکه به شُهرت برسند و به آبروی یک اداره لطمه وارد کنند، از درج یک زبان خاص در لیست زبان‌های خارجی سوءاستفاده کرده و اطلاعات نادرست را به شهروندان انعکاس داده بودند. رسولی گفت: «تعدادی زبان‌هایی که در افغانستان تکلم می‌شوند، در سایر کشورها نیز رایج‌اند و به همین دلیل این زبان‌ها هم در فهرست زبان‌های ملی و رسمی و هم در لیست زبان‌های خارجی جابه‌جا شده بود». او تأکید کرد که هیچ نوع برخورد دوگانه‌ای با زبان‌های افغانستان نشده است. از سوی دیگر، رئیس اداره ملی آمار و اطلاعات افغانستان تصریح کرد که این اداره تمامی زبان‌هایی را که در گزینه زبان‌های خارجی گنجانیده شده بودند، حذف کرده است. او دلیل حذف این زبان‌ها را از گزینه زبان‌های خارجی، جلوگیری از سوءتفاهم عنوان کرد. رسولی گفت: «هیچ دلیل دیگری نداشته است. اکیدا می‌گویم که برای تمام زبان‌ها احترام قائل هستیم و هیچ نوع برخورد دوگانه‌ای صورت نگرفته است». از سوی دیگر، اداره ملی آمار و اطلاعات افغانستان گفت که این زبان‌ها ازسوی وزارت مخابرات درج شده است. او گفت در سال ۱۳۹۶ وزارت مخابرات با همکاری اداره ثبت‌احول، اطلاعات را در فرم آنلاین درج کرده و این اداره دخالتی در این زمینه نداشته است.

در چند روز گذشته اعتراضات زیادی در افغانستان نسبت به این تصمیم صورت گرفته بود؛ ازجمله عطا محمدنور، رئیس اجرائی حزب جمعیت اسلامی افغانستان و والی پیشین بلخ در واکنش شدید این موضوع را «تلاش برخی عناصر مخرب برای برهم‌زدن روحیه وحدت ملی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز مردم افغانستان» خوانده است. محمدنور در صفحه فیس‌بوکش نوشته است: «اگر این کار نابخردانه در حد یک اشتباه هم صورت گرفته باشد، گناه عظیم، خبط تاریخی و بازی با هویت و تمدن بشری بخش اعظم مردم این سرزمین و زیرپاگذاشتن قانون اساسی کشور است که زبان فارسی دری را در کنار زبان پشتو به‌عنوان زبان رسمی پذیرفته است». یک حرکت از جوانان موسوم به «جنبش گذار» نیز در کابل نشستی خبری برگزار کردند و خواهان توقف روند توزیع شناسنامه‌های الکترونیکی در افغانستان شدند. در کنار اینها ده‌ها نفر از کاربران شبکه‌های اجتماعی افغانستان نیز در روزهای گذشته در پیوند به این موضوع اعتراض کرده‌اند. این نخستین جنجال بر سر شناسنامه افغانستانی‌ها نیست. پیش‌تر بر سر کلمه «افغان» به‌عنوان ملیت در شناسنامه شهروندان افغانستان هم اعتراضاتی صورت گرفته بود. همچنین روند کند توزیع شناسنامه در افغانستان هم نارضایتی‌هایی را پدید آورده است. یک سال پس از صدور اولین شناسنامه برای اشرف غنی تاکنون تنها یک میلیون شناسنامه در افغانستان صادر شده است.